

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شباهنگ راد

اول ماه می ۲۰۱۲

روز جهانی کارگر، اول ماه مه، مظهر پایداری و اتحاد!

اول ماه مه، روز جهانی کارگر است. روز جانفشانی کارگران علیه ظلم و ستم کارخانه‌داران زالو صفت است. روزی است که دنیا یکبار دیگر به عظمت و یگانگی کارگران پی می‌برد و در می‌یابد که اگر کارگران در صفی واحد و یکپارچه به میدان آیند، کسی را یارای مقابله با آنان نیست. روز جهانی کارگر یکی از آن روزهای تاریخی و سرنوشت سازی است که چهره دنیای استثمار و بردگی را در هم ریخت و هر ساله و در همهجا، کارگران علی‌رغم تفاوت‌های جنسیتی، نژادی و جغرافیایی به خیابان‌ها سرازیر می‌شوند و بار دیگر بانیان بلایای سیاسی - اجتماعی و همچنین مخالفان بی‌چون و چرای طبقاتی خود را به نبرد فرامی‌خوانند. باری، دنیا در این روز شاهد فریادهای میلیون‌ها انسان زحمت‌کش و تاریخ ساز، علیه سرمایه‌داران حاکم است.

زمان زیادی است که از روز جهانی کارگر - اول ماه مه - می‌گذرد و تا به حال دنیا شاهد تحولات بس عظیمی در اثر بازو و ایثارگری‌های کارگران سرتاسر جهان بوده است؛ اما علی‌رغم پیشرفت‌های روشن و معین، زندگی کارگران همچنان دردناک و ناامید کننده است و فقر و بدبختی و ناداری همچون هیولائی سهمگین بر شانه‌های خمیده آنان سنگینی می‌کند. اوضاع دهشتناکی که بانیان اصلی آن، حاکمان کنونی‌اند؛ حاکمانی که زندگی را بر کام سازندگان اصلی جوامع بشری تلخ نموده‌اند و از تعرض خویش به محروم‌ترین اقشار جامعه نمی‌کاهند. این دنیایی است که سرمایه‌داران ساخته‌اند و تعرض به پائین‌ترین حقوق انسانی را جهانی و همگانی نموده‌اند و در این‌میان زندگی کارگر هم در مضیقه هر چه بیشتری قرار گرفته است. در یک کلام جهان، توسط سرمایه‌داران به منجلا ب کامل کشیده شده است و تحقیر و توهین و ناامنی شغلی هم به این جامعه و به آن جامعه، به این کشور و به آن کشور خلاصه نمی‌گردد و همهجا، شکل واحد و یکسانی به خود گرفته است. از یکسو دنیا شاهد یورش افسار گسیخته سرمایه‌داران جهانی به تهمانده‌های کارگران و زحمت‌کشان است و از دگرسو، اعتراضات کارگران و توده‌های ستمدیده، کمر ظالمان و استثمارگران را خرد نموده است.

به عبارتی حقیقی‌تر می‌توان گفت که در اثر سیاست‌های سودجویانه و چپاول‌گرایانه سرمایه‌داران، دنیا غرق در بحران و بی‌ثباتی است و روز به روز بر کثرت بیکاری میلیونی افزوده می‌گردد و بی‌عدالتی‌ها و سرکوب‌ها هم

پایانی ندارد و میلیون‌ها انسان با مرگ دست و پنجه نرم می‌کنند. از دیر باز سرمایه‌چنین کارکردی را داشته است و مشاهده نموده‌ایم که در چند دهه اخیر و به ویژه در سال گذشته بر شتاب بی‌عدالتی‌های خود افزوده است و یک لحظه از تعرض به کارگران و زحمت‌کشان باز نمانده است. به‌عنوان نمونه کارگران کشورهای اروپائی و امریکائی در سال گذشته علیه سیاست‌های "ریاضت‌کشی اقتصادی" امپریالیست‌ها دست از کار کشیده‌اند، ابزارهای سرمایه را مورد تعرض خویش قرار داده‌اند و در خیابان‌ها عاملان چنین اوضاع دهشتناکی را به مصاف طلبیده‌اند. البته که چنین تصاویری را می‌توان در هر دوره از حیات جوامع بشری نشان داد و می‌توان نشان داد که از دوران پیدایش جوامع طبقاتی جهان به مصاف رو در روی دو طبقه میرنده و بالنده تبدیل گشته است؛ مصافی که حاصل نظام‌های طبقاتی است؛ حاصل نظام‌های اجحاف‌گرایانه‌ای است که طبقه سودجو بر جامعه تحمیل نموده است. چرا که تلاش طبقه انگل صفت بر آن است تا به هر طریق ممکنه مناسبات ظالمان را محفوظ نگه دارد و در مقابل، تلاش به حق و به جای کارگران و زحمت‌کشان بر آن است تا موازنه کنونی را در هم ریخته و پرچم جامعه انسانی و عاری از ظلم و ستم و جور و استثمار را بر افرازند. در حقیقت سال گذشته این دو جدال در اقصا نقاط دنیا و در ابعادی گسترده مشهود بود. اسپانیا، یونان، مصر، انگلستان، آلمان، ترکیه، بحرین، سوریه و خلاصه همه‌جا خیابان‌ها به میدان اصلی نبرد کارگران و محرومان با جانیان بشریت تبدیل گشته بود؛ همه‌جا کارگران و زحمت‌کشان نظام جهل و استثمار را مورد خطاب قرار داده‌اند و همچنان شعله آن بر افروخته می‌باشد.

به دلیل این‌که سرمایه به دنبال سود هر چه بیشتر و دست‌بُرد وسیع‌تر به سفره ناچیز کارگران و زحمت‌کشان است و در عوض میلیون‌ها انسان در پی تغییر زندگی بی سر انجام و بی افق خویش‌اند. معین است‌که این مناسبات و روابط تأمین‌کننده خواسته‌ها و نیازهای میلیون‌ها کارگر و توده محروم نیست. معین است‌که این مناسبات سر سوزنی با امیال کارگران انطباقی ندارد؛ چرا که حامی و مدافع یک درصد از آحاد جامعه‌ای است که به یمن زور و سلاح، بر نود و نه درصد جامعه تحمیل می‌نماید. باطناً کارگر خواهان گردش بیش از این نظم و ترتیب و مناسبات کنونی نیست. کارگر خواهان تغییر و دگرگونی بنیادی آن روابطی است که سرمایه‌داران حامی آنند؛ کارگر خواهان نابودی استثمار و رفع مالکیت خصوصی، نابرابری‌ها، ناامنی شغلی و تأمین حقوق مکفی به‌منظور زندگی بهتر و برخورداری از نعمات جامعه و امکانات رفاهی – اجتماعی است و بارها و بارها و به‌عنوان متفاوت آن‌ها را اعلام نموده است. در حقیقت گوشه‌ای از جهان کنونی را نمی‌توان یافت که زندگی کارگر در مضیقه نباشد و بدون دغدغه و بدون مشغله‌های فکری – مالی ادامه حیات دهد. کارگر در عمل پی برده است‌که جامعه "متمدن" و تعریف شده سرمایه‌داری، به درد ظالمان و استثمارگران می‌خورد و دردی از دردهای بی‌شمار آنان را درمان نمی‌کند. بیهوده نیست که صدای همه در آمده است و بیهوده نیست که اعتراض به اوضاع کنونی، جهانی شده است و بیهوده نیست که خیابان‌های سرتاسر جهان شاهد به پاخاستن کارگران و زحمت‌کشان و فرزندان‌شان علیه سیاست‌های سرمایه‌داران جهانی است.

این سیمای جهان کنونی است و بالطبع اوضاع کارگران ایران هم دست‌کمی از زندگی دیگر هم‌نوعان‌شان ندارد و در این‌میان رژیم وابسته جمهوری اسلامی هم در چهارچوبه سیاست‌های بزرگان و قدرت‌مداران جهانی، با شتاب هر چه بیشتری به کارگران یورش می‌آورد و عرصه زندگی را بر آنان تنگ و تنگ‌تر می‌نماید. کارگر در ایران فاقد پائین‌ترین حقوق سیاسی – اجتماعی است و هرگونه اعتراض و مخالفتی را از وی سلب نموده‌اند و هر زمان که علیه نابسامانی‌های موجود و علیه سیاست‌های ارتجاعی کارخانه‌داران به پاخاسته است، با ارگان‌های سرکوب‌گر و حافظ بقای سلطه امپریالیستی مواجه گردیده است. فضای ایران برای کارگران بسیار ملتهب، ناامن و به‌مانند مرگ

تدریجی است. کارگر از تهیه نان شب خویش باز مانده است و اقلام اولیه زندگی با سرعت غیر قابل باوری، رو به افزایش است. افزایش بیش از سی درصدی خط فقر نسبت به سال گذشته و متعاقباً اعلان نرخ خط فقر در شهرهای بزرگ به میزان یک میلیون و شصت هزار تومان، و در عوض تعیین حقوق سیصد و هشتاد و نه هزار و هفتصد و پنجاه و چهار تومان در سال نود و یک، گویای اوضاع رقت‌بار زندگی کارگرانی است که جامعه ایران با آن مواجه می‌باشد.

سوال این است که چگونه می‌توان در جامعه‌ای با حقوق نزدیک به چهارصد هزار تومان زندگی کرد در حالی که خط فقر آن نزدیک به دو میلیون تومان می‌باشد؟ چگونه می‌توان در جامعه‌ای زندگی کرد که اقلام ابتدائی زندگی همچون نان، گوشت، تخم مرغ و هزینه آب و برق و اجاره خانه رشد سی الی صد در صدی داشته است؟ چگونه کارگر می‌تواند در چنین جامعه‌ای زندگی کند که کارفرمایان و صاحبان تولیدی از پرداخت حقوق ناچیزشان سر باز می‌زنند و بعضاً از آنان بیش از بیست و پنج ماهی است که هیچ‌گونه حقوقی دریافت نکرده‌اند؟

مگر پاسخی از این روشن‌تر می‌توان یافت که با وجود مناسبات کنونی و با وجود رژیم‌های وابسته‌ای همچون رژیم جمهوری اسلامی، زندگی کارگر و جامعه مسیر بهبودی و شکوفائی را طی نخواهد کرد و ابعاد دهشتناک‌تری هم به خود خواهد گرفت؟ این دنیا نیاز به تغییر بنیادی و نیاز به دفن همه رسوبات و مناسبات سرمایه‌داری و آن هم با تمامی اعوان و انصارش دارد. این دنیا مستحق دگرگونی زیر بنائی است و معین است که جنبش‌های اعتراضی خودبه‌خودی، بدون رهبری کمونیستی، در دالان‌های سرمایه و توسط این و آن عنصر وابسته به نظام‌های گنبدیده و امپریالیستی به کجراه برده خواهند شد و جامعه مسیر آرامش و آسایش را طی نخواهد کرد. از یک‌طرف اعتراضات کارگری - توده‌ئی، همگانی و جهانی شده است و از طرف‌دیگر ما شاهد بی‌تفاوتی و بی‌دخالتی سازمان‌ها و جریان‌ات کمونیستی سرتاسر جهان در مقابل تعرضات وحشیانه سرمایه‌داران به تنمه‌های کارگران و زحمت‌کش‌ان‌یم. این اوضاع تأسفبار همگانی‌ست و مسلم است که جنبش بدون سر سالم و جنبش بدون دخالت‌گری‌های سازمان‌های کمونیستی توسط دشمنان دیرینه و طبقاتی کارگران به سرقت برده خواهد شد و سرمایه از جایگاه بناحق خوش پس خواهد کشید و همچنان بر استثمار و سرکوب آنان تداوم خواهد بخشید.

خوشبختانه کارگر در میدان است و متأسفانه نیروی مدافع وی فاقد ارتباط با آن می‌باشد؛ خوشبختانه کارگران در مقابل سرمایه‌داران از سیاست واحدی - همچون افزایش دست‌مزدها، کاهش ساعات کار و مبارزه برای دستیابی به حقوق معوقه خود - پیروی می‌نمایند و در عوض سازمان‌ها و احزاب مدافع وی در مقابل جانین بشریت پراکنده، بی‌افق و مبلغ سیاست‌های به‌غایت عقب مانده‌اند. این گسست‌ها و فاصله‌ها و این نگاه‌ها فی‌مابین جنبش‌های متفاوت اعتراضی با نمایندگان سیاسی‌شان را به‌عینه می‌توان مشاهده نمود و جهانی است و همچنین دهه‌هاست که اعتراضات کارگری - توده‌ئی فاقد پشتیبانی روشن‌فکران صدیق و سالم می‌باشند. به کلامی حقیقی می‌توان گفت که کارگران سرتاسر جهان و همچنین کارگران ایران جدا از برگزاری چنین روز تاریخی - اول ماه مه -، نیازمند ارتباط با سازمان‌ها و احزاب کمونیستی‌اند؛ نیاز به آن دارند تا جنبش‌های کمونیستی با درایت مارکسیست - لینیستی و با حضور فعال و عملی در صحن جامعه، و با مبارزه حاد و رو در رو با دشمنان طبقاتی، آنان را حول سیاست‌های معین و روشن سازمان دهند و سرمایه‌داران انگل صفت را از دست‌اندازی هر چه بیشتر به جان و مال‌شان باز دارند؛ کارگر نیاز به آن دارد تا سازمان و حزب مدعی پیشاهنگی، پیشاپیش مبارزات آنان قرار گیرد و پشتیبان و همراه آنان در مقابل ارگان‌های سرکوبگر نظام‌های امپریالیستی باشد؛ نیاز به آن دارد تا مدافعان وی علی‌رغم تفاوت‌های نظری در مقابل دشمنان واحد، کارکرد واحدی را انتخاب نمایند. در حقیقت اول ماه مه، روز

تجدید میثاق به آن جنبش و منافعی است که آرمان کمونیستی در مقابل سازمان و حزب مدعی منافع طبقه کارگر قرار داده است. اول ماه مه، روز صراحت لهجه و روز جسارت کمونیستی است. خلاصه این که بدون طرح واقعیات و بدون انطباق شکل و محتوا، بدون گفتن روشن کمونیست‌ها و به ویژه کمونیست‌های ایرانی، طبقه کارگر ایران از سیطره سیاست‌های ارتجاعی این جناح و آن جناح، و این رنگ و آن رنگ امپریالیستی بدر نخواهد آمد و انرژی و مبارزات بحق‌وی به هدر و به کجراه برده خواهد شد. به بیانی واقعی رادیکالیزه شدن جنبش کارگری ایران نیاز به انتخاب صحیح سیاست‌ها، تاکتیک‌ها، وسعت نظر و تغییر مکان فعالیتی سازمان‌ها و احزاب کمونیستی دارد.

۲۹ اپریل ۲۰۱۲

۱۰ اردیبهشت [ثور] ۱۳۹۱